



DOI: 10.30497/PKN.2024.245262.3105

Received: 2023/10/08

Accepted: 2024/07/23

Feasibility of applying the De-dollarization policy in international and regional organizations and its effectiveness on I.R.Iran's sanctions reduction

Fatemeh Mahroogh*

Abulghasem Shahriari**

Using dollar as a tool to impose unilateral and international sanctions by the United States of America has caused some countries to adopt a de-dollarization policy in order to reduce their vulnerability. The present research has two goals: to investigate the existing trends of de-dollarization as an economic diplomacy in different parts of the world, and to assess the feasibility of the given above conditions for Iran's economic diplomacy in order to reduce the effect of sanctions. Therefore, article's question is what the process of de-dollarization in international trade is. Moreover, with the beginning of the process of de-dollarization in the world politics, what possibility has it provided for Iran's economic diplomacy? This research has used the theoretical approach of nested regionalism and the techniques of trend and time series analysis as a research method in the three organizations of Shanghai, BRICS and ASEAN as a case study that applied de-dollarization as a tool of their economic diplomacy. The findings of the research indicate that simultaneously with the implementation of the de-dollarization policy by the above three organizations, the level of exchanges between the member countries of these organizations with Iran has stagnated since 2018 due to the unilateral sanctions of the United States of America and lack of attention to the use of this new policy. Therefore, using the de-dollarization policy as a tool in Iran's economic diplomacy will be able to disrupt the goals of sanctions while boosting Iran's international trade.

Keywords: I.R.Iran, ASEAN, BRICS, Economic diplomacy, De-Dollarization, Shanghai, Nested regionalism, Sanction.

* Assistant Professor of International Relation, Department of Political Science, Faculty of Law and Politics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I.R.Iran (Corresponding author).

fmahroogh@um.ac.ir

0000-0003-3336-8074

** Visiting Professor, Department of Political Science, Bojnord University, Bojnord, I.R.Iran.

ab.shahriari@mail.um.ac.ir

0000-0002-3193-7344

امکان‌سنجی بهره‌گیری از سیاست دلارزدایی در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در کاهش اثر تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

مقاله برای بازنگری به مدت ۴۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

فاطمه محروق*

ابوالقاسم شهریاری**

چکیده

استفاده از دلار به‌عنوان ابزاری برای اعمال تحریم سبب گرایش برخی کشورها به سیاست دلارزدایی شده و همین سیاست به‌واسطه شرایط خاص ایران، به‌عنوان مسئله اصلی پژوهش حاضر مطرح شده است. در این راستا سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه: سیاست دلارزدایی چقدر توانسته در کاهش تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی ایران به‌کار آید؟ این پژوهش از رویکرد نظری منطقه‌گرایی متداخل و روش‌های تحلیل روند و سری زمانی به‌عنوان روش پژوهش در سه سازمان شانگهای، بریکس و آسه‌آن به‌عنوان مطالعه موردی که دلارزدایی را به‌مثابه ابزار دیپلماسی اقتصادی خود به‌کار گرفته‌اند، استفاده نموده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هم‌زمان با به‌کارگیری سیاست دلارزدایی از سوی سه سازمان فوق، سطح مبادلات کشورهای عضو این سازمان‌ها با ایران تحت‌تأثیر تحریم‌های آمریکا و کم‌توجهی به بهره‌گیری از این سیاست جدید از سال ۲۰۱۸ دچار رکود شده است. بر این اساس، به‌کارگیری سیاست دلارزدایی به‌عنوان ابزاری در دیپلماسی اقتصادی ایران خواهد توانست تا ضمن رونق بخشی به تجارت بین‌المللی ایران، اهداف تحریم را با اختلال مواجه سازد.

واژگان کلیدی: آسه‌آن، بریکس، تحریم، جمهوری اسلامی ایران، دلارزدایی، دیپلماسی اقتصادی، شانگهای، منطقه‌گرایی متداخل.

* استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

fmahroogh@um.ac.ir

0000-0003-3336-8074

** استاد مدعو گروه علوم سیاسی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، جمهوری اسلامی ایران.

ab.shahriari@mail.um.ac.ir

0000-0002-3193-7344

مقدمه

بیان مسئله: استمرار نظام اقتصادی بین‌المللی تحت سلطه دلار آمریکا سه آسیب مهم به وجود آورده که جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است: وابستگی صرف به تجارت با دلار که به دلاری شدن نظام‌های سیاسی و کاهش قدرت بانک مرکزی کشورها در تجارت منتهی شده است؛ سلطه آمریکا بر سامانه سوئیفت که قدرت عمل آن در نظارت و دخالت بر تجارت بین‌المللی را افزایش داده است؛ و در نهایت اعمال تحریم که به نحوی برآیند دو وضعیت پیشین است و آمریکا به دلیل سلطه بر نظام اقتصادی از طریق اعمال تحریم علیه کشورها و تعیین مجازات علیه شرکای تجاری آن‌ها، از اقتصاد دلاری شده جهت دستیابی به اهداف سیاسی خود سود می‌جوید (Davis, 2023, p. 40). با این توضیح مسئله اصلی پژوهش حاضر ناظر بر تحلیل ظرفیت‌های سیاست دلارزدایی در راستای تأمین منافع ملی ایران از طریق کاهش آثار منفی تحریم‌ها می‌باشد.

اهمیت: سیاست دلارزدایی می‌تواند اعمال تحریم‌ها علیه ایران را با چالش روبه‌رو سازد و همین امر نشان می‌دهد که پژوهش حاضر دارای اهمیت راهبردی است. افزون‌براین در صحنه عملیاتی نیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نقش سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه بسیار زیاد است (Singh, 2023, p. 328; Molodyko, 2020, p. 72)؛ لذا دو سازمان منطقه‌ای شانگهای و آسه‌آن به همراه سازمان فرامنطقه‌ای بریکس در مقاله حاضر موضوع بحث قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده اهمیت کاربردی این پژوهش برای سیاست عملی ایران است.

ضرورت: از آنجاکه ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای آسیای شرقی است که موضوع تحریم‌های ظالمانه آمریکا قرار گرفته، عدم توجه به ظرفیت سیاست‌هایی چون دلارزدایی، می‌تواند زمینه تضعیف قدرت ملی و تحدید حضور ایران در مناسبات بین‌المللی را مساعد سازد. بر این اساس پژوهش‌هایی از این قبیل که به ارائه سیاست‌هایی نوین برای مقابله با تحریم‌ها می‌پردازند؛ برای کشور ما دارای ضرورت راهبردی است.

اهداف: کمک به سیاست‌گذاری راهبردی در ایران جهت مقابله مؤثر و به‌روز با روند رو به رشد تحریم‌های ظالمانه آمریکا، هدف اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. در

همین‌راستا اهداف فرعی عبارت‌اند از: تبیین فرایند رو به رشد اجرای سیاست دلارزدایی در جهان، معرفی تجارب موفق در عرصه دلارزدایی و بالاخره تبیین ظرفیت‌های سیاست دلارزدایی از منظر ایرانی.

سؤال‌ها: این پرسش که آیا حضور جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های شانگهای، بریکس و آسه‌آن، توانسته به استفاده از ظرفیت‌های سیاست دلارزدایی برای مدیریت فشارهای ناشی از اعمال تحریم‌های ظالمانه آمریکا، منجر شود؟ سؤال اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. در همین ارتباط سؤال‌های فرعی زیر مطرح شده‌اند: اصول سیاست دلارزدایی کدام‌اند؟ سیاست دلارزدایی در اقتصاد جهانی چه تحول و فرایندی را طی کرده است؟ و ظرفیت‌های سیاست دلارزدایی در عرصه مدیریت مناسبات بین‌المللی کدام‌اند؟

فرضیه: چنین به‌نظر می‌رسد که سیاست دلارزدایی سازمان‌های شانگهای، بریکس و آسه‌آن زمینه مساعدی را جهت کاهش اثر تحریم و بهبود وضعیت تجارت بین‌المللی ایران از طریق کاهش وابستگی به دلار فراهم نموده است.

روش: پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی است. ابتدا با استفاده از روش تحلیل روند به بررسی وضعیت دلارزدایی پرداخته شده و سپس جهت بررسی وضعیت تجارت ایران با سازمان‌های هدف از روش سری زمانی استفاده شده است. همچنین جهت بررسی تأثیر تحریم بر تجارت بین‌المللی ایران از آماره تفاوت میانگین‌ها استفاده شده است. جهت بررسی مبادلات اعضاء سازمان‌های مورد بررسی با ایران و تأثیر تحریم آمریکا بر آن از سری زمانی استفاده شده است. سری زمانی مجموعه مشاهداتی است که برحسب زمان مرتب‌شده و از مشاهده یک پدیده در بازه زمانی طولانی حاصل شده است. تمامی داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از مجموعه اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی استخراج شده است.^۱

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به نوآورانه بودن پژوهش حاضر، پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم دارای قرابت محتوایی باشند به‌ندرت وجود دارد، باوجوداین، پژوهش‌هایی منتشر شده‌اند که در دو

بخش بررسی شده‌اند.

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

در مجله دانش سیاسی پژوهشی که مرتبط با دلارزدایی باشد منتشر نشده، لیکن مقاله‌هایی منتشر شده که به دیپلماسی اقتصادی ایران و همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای توجه نموده و از این حیث در ارتباط با موضوع نوشتار حاضر می‌باشند؛ برای مثال پوراحمدی (۱۳۸۸) دیپلماسی انرژی ایران را مورد ارزیابی قرار داده و معتقد است که دیپلماسی انرژی ابزاری برای پیشینه ساختن دستاوردهای ایران از نظام اقتصاد سیاسی جهانی محسوب می‌شود؛ اما غلبه نگاه بازرگانی در موضوع انرژی که از عدم لحاظ‌شدن نگاه بلندمدت و راهبردی به مسائل بخش انرژی در رویکرد خارجی، دیپلماسی انرژی، حکایت می‌کند، بیانگر این است که ایجاد تحول در شرایط عمومی بازیگری منطقه‌ای و بین‌المللی ایران نیازمند مدنظر داشتن راهبردهای بلندمدت بخشی و از جمله برای سیاست‌خارجی است. سیمبر (۱۳۸۹) اعمال تحریم علیه ایران را بررسی و چنین نتیجه‌گیری نموده است که سیاست خارجی ایران دارای استقلال از محرک‌های خارجی بوده و بیشتر مبتنی بر پویایی‌های داخلی است. جعفری و همکاران (۱۳۹۶) عضویت ایران در شانگهای را هدف قرار داده و معتقدند که ایران می‌تواند از قابلیت‌های شانگهای برای تأمین منافع ملی و ارتقاء جایگاه خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده نماید. شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۹) اثر تحریم بر ورزش جمهوری اسلامی ایران را بررسی و تهدیدهای موجود برای ایران را معرفی نموده است. ساجدی و همکاران (۱۴۰۰) تحریم آمریکا علیه ایران در ۲۰۱۸م را نقض منشور سازمان ملل معرفی نموده و هدف آن افزایش نارضایتی در مردم ایران عنوان نموده‌اند.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع

در عموم آثار منتشر شده بحث تحریم‌ها و نحوه مقابله با آنها مدنظر نویسندگان بوده و دلارزدایی به‌مثابه یک سیاست در عرصه عمل برای ایران چندان مورد بحث نبوده است. از این منظر دو دسته از مطالعات را از حیث موضوعی می‌توان از هم تفکیک نمود:

الف. مطالعاتی که موضوعشان تحریم‌ها، بدون توجه به سیاست دلارزدایی است. در این خصوص می‌توان به مقاله اسلامی و نقدی (۱۳۹۵) اشاره داشت که تحریم‌های آمریکا را صرفاً به مثابه یک ابزار در سیاست خارجی این کشور بررسی نموده و از نقش دلار در عملیاتی شدن تحریم‌ها سخن گفته است. عمده راهکارهای پیشنهادی نویسندگان برای ایران نیز از جنس سیاسی هستند. این در حالی است که پورقصاب و علی نژاد (۱۳۹۹) صرفاً از منظر حقوقی به موضوع نگرینسته و اتخاذ راهکارهای حقوق بشری را به ایران پیشنهاد داده‌اند.

ب. مطالعاتی که موضوعشان سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با عطف نظر به سیاست دلارزدایی است. از این منظر می‌توان به مقاله آل‌کجاف و همکاران (۱۴۰۱)، معتقدند سوءاستفاده آمریکا از ابزارهای بین‌المللی مالی و تسلیحاتی کردن آن‌ها باعث اجرای سیاست‌های دلارزدایی و ابتکارات و بسترهای پرداخت جایگزین و منطقه‌ای شدن نظام پولی بین‌المللی شده است. صفوی و جعفری نور (۱۴۰۰) هم معتقدند که پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای از ابعاد مختلف می‌تواند در برقراری موازنه قوا با آمریکا تأثیرگذار باشد. براین اساس، پژوهش حاضر از آن حیث که متمرکز بر سیاست دلارزدایی در قالب عضویت ایران در سازمان‌های مشخصی چون شانگهای و بریکس است، متمایز از پژوهش‌های پیشین ارزیابی می‌شود.

۲. مبانی مفهومی و نظری

مبانی مفهومی و نظری پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۲-۱. دلارزدایی

به مجموعه اقداماتی که جهت کاهش وابستگی به دلار در تجارت و افزایش قدرت بانک مرکزی کشورها طراحی گردیده و بر این موضوع تأکید دارد که ایجاد تنوع در سبد ارزی کشورها سبب خواهد شد تا علاوه بر کاهش وابستگی به یک ارز خاص (به‌طور ویژه دلار)، سهولت بیشتری برای تجارت بین‌المللی ایجاد گردد؛ دلارزدایی می‌گویند (Singh, 2023, p. 342; Gribina & Trushkin, 2020, p. 1086).

۲-۲. امکان‌سنجی

سنجش، بررسی و امکان‌عملی شدن یک ایده یا طرح است. امکان‌سنجی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل ظرفیت یک وضعیت پیشنهادی بر اساس پژوهش‌ها و مطالعاتی پایه‌ریزی شده است که روند تصمیم‌گیری را پشتیبانی می‌نماید.

۲-۳. تحریم

فعالیتی یا عملی که به‌وسیله یک یا چند بازیگر بین‌المللی (مجری تحریم)، علیه یک یا چند کشور دیگر (هدف تحریم)، به‌منظور مجازات این کشورها، با هدف محروم ساختن آنها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آنها به پذیرش هنجارهایی معین و مهم (از دید مجریان تحریم)، اعمال می‌شود.

۲-۴. نظریه منطقه‌گرایی شبکه‌ای متداخل

رشد جریان‌ها و ابتکارهای میان‌منطقه‌ای یا نهادهای نوین بین‌المللی سبب زیر سؤال رفتن رویکردهای تحلیلی سنتی به منطقه‌گرایی شده است. درمقابل با پیچیدگی روزافزون پویایی‌ها و پویش‌های بین‌المللی، منطقه‌گرایی در حال چرخش به‌سوی منطقه‌گرایی شبکه‌ای است.

الف. معرفی نظریه

منطقه‌گرایی شبکه‌ای از نظم‌هایی متمایز و درعین حال به‌هم‌پیوسته تشکیل شده و ویژگی چندسطحی و چندلایه‌ای پیدا کرده است. در این رویکرد، ارتباطات و فرایندهای بازخوردی ناشی از آن در کانون تحلیل قرار می‌گیرد. مفهوم شبکه، مجموعه ارتباطات یک بازیگر با تمامی عناصر محیط است. شبکه راهبردی، بستری برای شکل‌گیری همکاری بین بازیگران موجود در شبکه بر مبنای فلسفه برد-برد است که جهت‌گیری راهبردی را در قبال یکدیگر و نیز در قبال شبکه تعیین می‌کند. به‌دلیل چگونگی توزیع ارتباطات و جهت‌گیری راهبردی اعضای آن، گره مرکزی نقشی تعیین‌کننده دارد. به‌عبارت‌دیگر، موقعیت بازیگران در شبکه است که تعیین‌کننده ظرفیت نفوذ بر نتایج است نه ویژگی‌های فردی بازیگران (برای مثال نک. Acharya & Buzan, 2019; Ghasemi, 2019; Degterev & et al., 2021).

ب. اصول

شبکه‌های راهبردی امکان به اشتراک‌گذاری و بهره‌گیری از منابع در اشکال مختلف را فراهم می‌آورند و نقش آنها در فراهم کردن دسترسی به منابع موجود و منفعت ناشی از ارتباط اعضای شبکه با یکدیگر، بسیار برجسته است. چنین ساختاری تابع اصولی متمایز می‌باشد که مهمترین آنها در حد بحث حاضر عبارت‌اند از:

اصل (۱). ترازمندی پویا در مقابل ترازمندی ایستا: مطابق نظریه منطقه‌گرایی شبکه‌ای متداخل وجود تنوع و گوناگونی ارزی در معاملات تجاری جهانی حرف اول را می‌زند. تنوع ارزی موجب شکل‌گیری الگوی ارتباطی متفاوتی می‌شود که به‌موجب آن مجموعه‌ای از شبکه‌های درهم‌تنیده مبتنی بر روابط همکاری و یا منازعه شکل می‌گیرد؛ شبکه‌هایی که چندلایه بوده و به‌همین خاطر از تکوین و ظهور هژمونی ممانعت به‌عمل آورده، راه را برای تعریف روابط تجاری متنوع هموار می‌سازد (Corbetta, 2013; p. 637). در این صورت است که تعریف، اعمال و استمرار تحریم رد این الگوی تعاملی، اصولاً دشوار و غیرممکن می‌باشد.

اصل (۲). همکاری‌های درون‌منطقه‌ای در مقابل سلطه هژمونیک: نظریه منطقه‌گرایی مورد نظر نویسندگان بر شکل‌گیری شبکه‌های متداخل چندپیکری و چندلایه (D'Agostino & Scala, 2014;p.37; Buldú et al, 2019, p.2) استوار است که نتیجه نخست آن نقد وجود عنصری هژمونیک در آن است (Mahrough, 2011; Ghasemi, 2022). دلیل این امر هم به‌وجود پیچیدگی و وابستگی متقابل درون این الگو می‌گردد که اصولاً اجازه تکوین هژمون و یا استمرار حیات آن را نمی‌دهد. تحلیل‌گران به‌درستی بیان نموده‌اند که باید نگاه به سیاست جهان را از «صحنه شطرنج» به «شبکه» تغییر داد تا با درک بهتر ماهیت نظم در وضعیت پیچیدگی، ابزارهای تحلیلی مناسبی برای ارتقاء جایگاه واحدها درون جهان شبکه‌ای حاصل گردد (Slaughter, 2017).

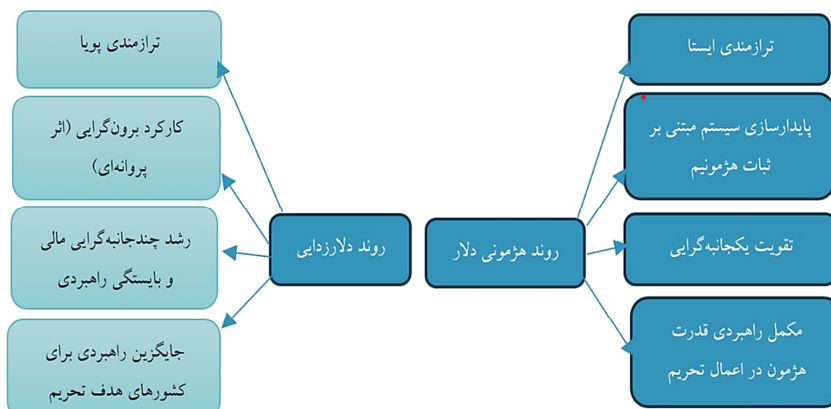
اصل (۳). چندجانبه‌گرایی به جای یکجانبه‌گرایی: منطقه تنها به‌واسطه مرزهای سرزمینی مشخص نمی‌شوند بلکه بر اساس ارتباطات و سازوکارهای بازخوردی‌ای که سطوح مختلف منطقه را در کنار هم قرار می‌دهد، مشخص خواهد شد. معنای این سخن آن است که اصولاً مدیریت تحولات مبتنی بر همکاری بین اعضا بوده و هیچ

بازیگری نمی‌تواند بر اساس صرفاً علاقه و منافع خاص خود به صورت یک‌جانبه اقدام نماید. دلیل این امر نیز به ماهیت شبکه‌ای ساخت منطقه‌ای برمی‌گردد که متفاوت از ساخت سلسله‌مراتبی مورد نظر پیروان نظریه هژمون‌گرایی است.

اصل (۴). نظم‌های موازی در برابر نظم‌های یک‌سویه: در این نظریه هرگونه تغییر در تارک هر شبکه، سبب تغییر کلی رفتار سیستم منطقه و یا با بین‌المللی کردن مقادیر منطقه‌ای، سبب تغییر کلی رفتار سیستم جهانی می‌شود. معنای این سخن آن است که برای موضوعات و مسائل منطقه‌ای صرفاً یک راه‌حل وجود ندارد و مناطق مختلف می‌توانند از طریق تولید نظم‌های بدیل، راه‌حل‌های متفاوتی ارائه نمایند؛ لذا شاهد شکل‌گیری بازی‌های مختلفی در سطح منطقه یا بین مناطق خواهیم بود که هر یک بر پایه نظمی خاص ارائه راه‌حل می‌نمایند. هدف در چنین بازی‌هایی، رسیدن به نقطه تعادل راهبردی است و دربرگیرنده مجموعه‌ای از راهبردهاست که حتی در وضعیت عدم همکاری و ستیزش بین بازیگران، امکان رسیدن به تعادل راهبردی و پایدارسازی سیستم منطقه‌ای وجود دارد. براین اساس، الگوی مفهومی - تحلیلی پژوهش حاضر در نمودار ذیل آورده شده است.

نمودار شماره (۱): الگوی مفهومی - تحلیلی منطقه‌گرایی شبکه‌ای متداخل

در مقابل نظام هژمونیک

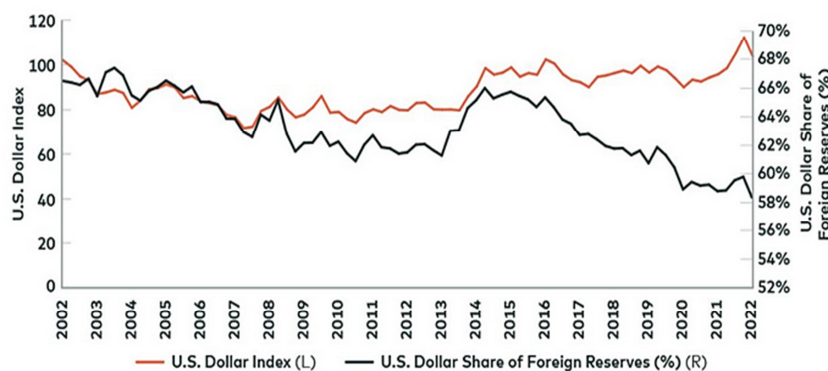


(طراحی توسط نویسندگان)

۳. سیاست دلارزدایی و گذار از ترازمندی ایستا به ترازمندی پویا

تلاش برای دلارزدایی از اقتصاد و کاهش وابستگی به دلار در اواخر قرن بیستم آغاز گردید و کشور شیلی پیشگام در این موضوع بود. هرچند نخستین تلاش با شکست مواجه شد؛ اما استمرار آن سبب شد تا فرایندی شکل گیرد که امروزه به سیاستی جهانی تبدیل گردد. تلاش جهت کاهش وابستگی به دلار در ابتدای قرن بیست و یکم نیز ادامه داشت؛ اما رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸م و افت ارزش دلار آمریکا سبب شد تا دلارزدایی و تنوع‌بخشی به سبد ارزی بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گیرد. هم‌زمان و با آغاز دهه دوم از قرن بیست و یکم نیز استفاده ابزاری آمریکا از دلار جهت اعلام تحریم علیه سایر کشورها توجه اندیشمندان را به خود جلب کرد. نتیجه این دو وضعیت منجر به طراحی و اجرا سیاست‌های دلارزدایی گردید که روند آن در نمودار ذیل درج شده است.

نمودار شماره (۲): فرایند دلارزدایی در اقتصاد جهان



(Source: Bloomberg, 2023)

بر اساس گزارشی که بلومبرگ در تابستان ۲۰۲۳م منتشر نموده، هرچند شاخص دلار آمریکا پس از بحران ۲۰۰۸م در برابر سایر ارزهای رایج روند صعودی داشته، لیکن سهم دلار از ذخایر خارجی به‌ویژه از سال ۲۰۱۴م روند نزولی طی نموده است. سهم دلار از ذخایر خارجی در سال ۲۰۰۲م بیش از ۹۰ درصد بوده که در سال ۲۰۲۲م به کمتر از ۶۰ درصد نزول نموده است. به‌بیان‌دیگر، طی ۲۰ سال کشورهای جهان بیش

از ۳۰ درصد از ذخایر ارزی خود را از دلار به سایر ارزها تغییر داده‌اند. بلومبرگ تصریح نموده که صرفاً در یک دهه گذشته کشورهای جهان ۱۹ درصد از ذخایر ارزی خود را به ارزهایی غیر از دلار تغییر داده‌اند؛ بنابراین برخلاف آنچه افسانه دلارزدایی عنوان شده، روند موجود در عرصه بین‌المللی به‌وضوح نشان‌دهنده این موضوع است که کاهش وابستگی به دلار و متنوع کردن سبد ارزی کشورهای جهان به فرایندی مهم تبدیل گشته است. دو سازمان بریکس و شانگهای نقش مهمی در روند دلارزدایی ایفا نموده‌اند و از سال ۲۰۲۳م نیز سازمان آسه‌آن به این چرخه اضافه شده است. این مسئله بیانگر ترازمندی پویا در سیستم اقتصادی جهانی است؛ زیرا سازوکار هم‌سازگاری و هم‌تکاملی در انطباق با شرایط نوین در حال رخ دادن است. بر پایه اصل تنوع (به‌عنوان یکی از اصول رهیافت شبکه)، رشد جریان دلارزدایی در کنار مانایی دلار سبب دوری کشورها از نقاط عطف (منطقه ثبات بر پایه هژمونی دلار) و حرکت و پویایی به‌سمت کنش‌های چندجانبه و بایستگی‌های راهبردی خواهد شد.

۴. سیاست دلارزدایی و گذار از هژمونی دلار (یکجانبه‌گرایی ارزی) به همکاری‌های ارزی (چندجانبه‌گرایی)

در این قسمت دو اصل ۳ و ۴ از الگوی تحلیل (نک. نمودار شماره ۱) که در ارتباط وثیق با هم هستند، تحلیل می‌شوند. ورود به عرصه تعاملات تجاری بر اساس همکاری‌های ارزی غیردلاری، شرط اساسی برای رشد و توسعه در قالب نظریه منطقه‌گرایی شبکه‌ای متداخل است. از این منظر روند صادرات و واردات ایران طی پنج دوره قابل بررسی است که درنهایت نشان‌دهنده میزان حاکمیت هژمونی دلار و یا الگوی مقابل آن (یعنی نقش‌آفرینی ارزهای متنوع منطقه‌ای) می‌باشد.

اول. دوران پیش از تحریم: از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶م که باوجود برخی تحریم‌های آمریکا، ایران دارای تجارت بدون محدودیت خاصی بوده است.

دوم. دوران تحریم: از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱م که تحریم‌های سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای همراه ایشان، در خصوص تجارت با ایران وضع شده و مبادلات ایران با شرکای تجاری‌اش را تحت تأثیر منفی قرار داده است. با این حال هنوز سیاست معافیت تحریم نیز وجود دارد.

سوم. دوره فشار حداکثری: از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵م که معافیت‌های تحریمی برداشته‌شده و رفتار سخت‌گیرانه با شرکای تجاری ایران در پیش گرفته شده است. چهارم. دوره برجام: از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷م که دوران کوتاه اجرای توافق ایران با کشورهای موسوم به ۵+۱ است و با خروج یک‌طرفه آمریکا در بهار ۲۰۱۸م به اتمام می‌رسد.

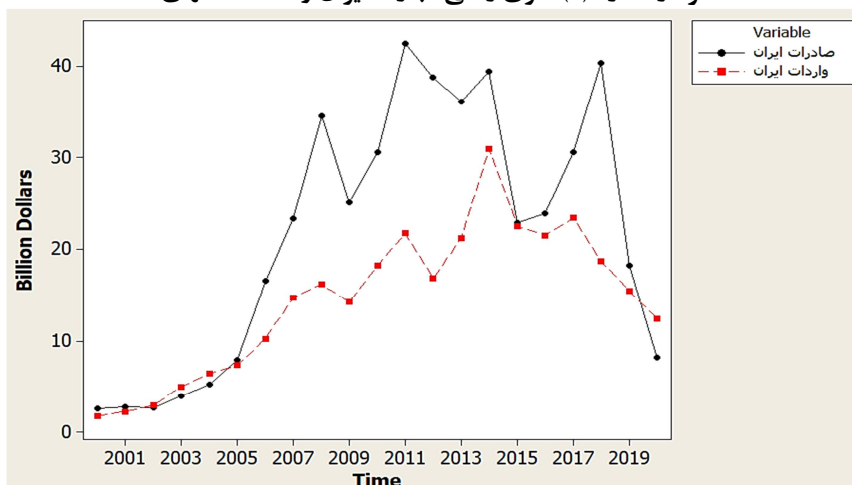
پنجم. دوره تحریم مجدد: از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰م که دوران اعلام تحریم‌های یک‌جانبه مجدد آمریکا علیه ایران است و مجازات‌های سخت‌گیرانه‌ای علیه شرکای تجاری ایران وضع شده است.

حال با مراجعه به آمار تجارت خارجی ایران می‌توان وضعیت هژمونیک دلار را در قالب سه سازمان مورد بحث، تحلیل و تأثیر آن را بر تحریم‌ها مشخص نمود.

۴-۱. سری زمانی تجارت ایران و اعضا شانگهای و اثر تحریم بر آن

همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است، همبستگی بالایی میان صادرات و واردات ایران به کشورهای عضو شانگهای وجود دارد و افزایش و کاهش هریک بر روند دیگری نیز تأثیرگذار بوده است.

نمودار شماره (۳): سری زمانی تجارت ایران و اعضا شانگهای



(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

تحلیل برآمده از بررسی در طول سری زمانی نشان می‌دهد صادرات ایران بر واردات فزونی داشته؛ اما در پایان سری زمانی واردات فزونی یافته است. در مجموع ۲۱ سال منتهی به ۲۰۲۰م ایران بالغ بر ۴۵۶ میلیارد دلار صادرات به اعضای شانگهای داشته و در مقابل نیز ۳۰۴ میلیارد دلار واردات داشته که این به معنی تراز تجاری مثبت ۱۵۰ میلیاردی طی سری زمانی مزبور است. جزئیات وضعیت صادرات و واردات ایران به اعضای شانگهای در جدول ۱ درج شده است.

جدول شماره (۱): سری زمانی تجارت ایران با اعضای شانگهای

تراز تجاری		میانگین ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰		ضریب سری ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰		کشور
تا ۲۰۱۸	تا ۱۹۹۶	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۲۰۲۰	۲۰۲۰	۱۴,۵	۲۱,۷	۰,۴۳۹	۰,۵۴۱	ایران

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

همان‌گونه که در نمودار ۳ نیز مشخص است، روند صادرات ایران صعود و نزول‌های شدید را تجربه نموده و به همین دلیل نیز ضریب آن کاهش پیدا نموده است؛ اما به‌طور کلی چرخه صادرات ایران روند صعودی داشته است. روند واردات ایران نیز هرچند همچون صادرات دارای چرخه‌های فرازوفروودی بوده؛ اما شدت آن‌ها کمتر بوده و به همین دلیل نیز ضریب آن افزایش یافته است. تراز تجاری سری زمانی به‌شدت تحت تأثیر سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹م و سال ۲۰۱۸م است که در آن صادرات ایران بسیار افزایش یافته است. در دوران تحریم‌های ۲۰۱۸م نیز هرچند مبادلات با ایران کاهش یافته است؛ اما همچنان صادرات ایران فزونی داشته است. با عنایت به آمارهای موجود می‌توان اثر تحریم‌ها بر تجارت ایران و شانگهای را در قالب دوره‌های پنجگانه به شرح زیر خلاصه نمود:

جدول شماره (۲): اثر تحریم بر تجارت ایران و اعضای شانگهای

نام دوره	واردات (میلیارد دلار)	صادرات (میلیارد دلار)
پیشاتحریم	۳۶,۱	۴۱,۷
تحریم	۸۵,۲۵	۱۵۶,۱
فشار حداکثری	۹۱,۶	۱۳۷,۲
برجام	۴۴,۹	۵۴,۴
تحریم مجدد	۴۶,۷	۶۶,۸۷

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

بررسی اطلاعات تجارت ایران و اعضای شانگهای حاکی از آن است که تحریم‌های سال ۲۰۰۷ در آغاز تأثیر چندانی بر تجارت متقابل ایران و اعضای شانگهای نداشته و در دوره فشار حداکثری بخشی از صادرات ایران را کاهش داده است؛ لیکن پس از سال ۲۰۱۸ و اعمال تحریم یک‌جانبه آمریکا بخش مهمی از تجارت ایران کاهش یافته است. روند واردات ایران مسیر متفاوتی را داشته؛ به‌طوری‌که دوره فشار حداکثری نیز باعث کاهش میزان واردات ایران نشده است. با توجه به اینکه دوره‌های مورد بررسی سال‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرد، از آزمون تفاوت میانگین‌های دانکن برای بررسی تأثیر تحریم بر روابط ایران و اعضای شانگهای استفاده شده است.

جدول شماره (۳): آزمون دانکن در تأثیر تحریم بر صادرات ایران به اعضای شانگهای

نام دوره	تعداد سال	گروه ۱	گروه ۲
پیشاتحریم	۷	۵,۹۶	
تحریم مجدد	۳	۲۲,۲۹	
برجام	۲		۲۷,۲
تحریم	۵		۳۱,۲
فشار حداکثری	۴		۳۴,۳
معناداری		۰,۱۲۵	۰,۳۶۴

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

آزمون دانکن مشخص می‌سازد که دوره‌های تحریم مجدد و پیشاتحریم هر چند دارای میانگین متفاوت هستند؛ اما تفاوت میان آن‌ها معنادار نیست و این دو دوره دارای پایین‌ترین میزان صادرات ایران به اعضاء شانگهای هستند. به بیان دیگر، سطح صادرات ایران به اعضاء شانگهای تحت تأثیر تحریم پس از ۲۰۱۸ کاهش یافته و به دوره اولیه نزدیک شده است. سه دوره دیگر نیز دارای میانگین‌های مشابه هم هستند و باتوجه به تعداد سال‌های متفاوت، تفاوتی در آن‌ها وجود ندارد.

جدول شماره (۴): آزمون دانکن در اثر تحریم بر واردات ایران از اعضاء شانگهای

نام دوره	تعداد سال	گروه ۱	گروه ۲
پیشاتحریم	۷	۵,۱۵	
تحریم مجدد	۳		۱۵,۶
تحریم	۲		۱۷,۱
فشار حداکثری	۵		۲۲,۴۵
برجام	۴		۲۲,۹
معناداری		۱	۰,۱۱۵

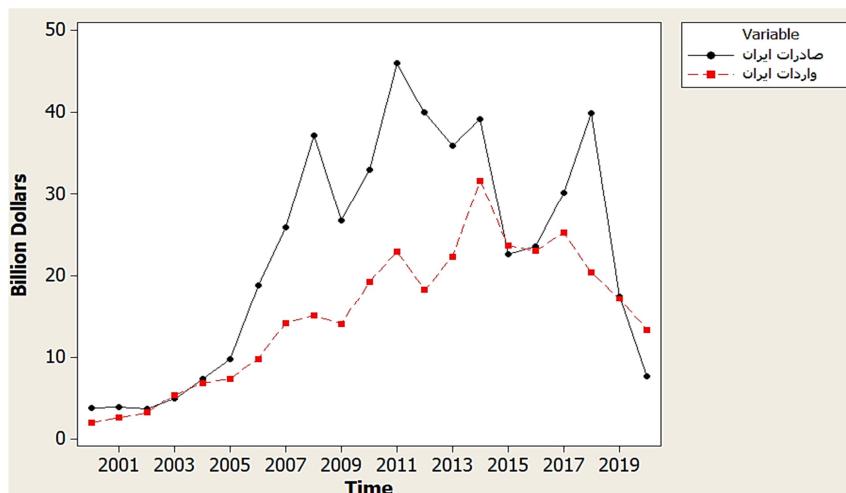
(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

در میزان واردات، صرفاً دوره پیشاتحریم دارای تفاوت در میانگین با سایر دوره‌ها است. این موضوع بدین معنی می‌باشد که روند واردات ایران از اعضاء شانگهای کمتر تحت تأثیر تحریم بوده است.

۲-۴. سری زمانی تجارت ایران و اعضاء بریکس و تأثیر تحریم بر آن

همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است، همچون سازمان شانگهای میزان صادرات ایران بر واردات فزونی داشته به جز انتهای سری زمانی که واردات پیشی گرفته؛ که نتیجه کاهش شدید صادرات می‌باشد. این امر بدین معنی است که کشورهای عضو بریکس مقصد صدور کالا و خدمات برای ایران بوده‌اند.

نمودار شماره (۴): سری زمانی تجارت ایران و کشورهای عضو بریکس



(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

روند مبادلات تجاری در هر دو بخش صادرات و واردات چرخشی و درعین‌حال صعودی بوده است و صرفاً از سال ۲۰۱۸ که مصادف با اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران است، روند شدیداً نزولی حادث شده است. در مجموع ۲۱ سال منتهی به ۲۰۲۰م ایران بالغ بر ۴۷۶ میلیارد صادرات به اعضای بریکس داشته و درمقابل نیز ۳۱۷ میلیارد دلار واردات داشته است که این به معنی تراز تجاری مثبت ۹۹ میلیارد دلاری در طول سری زمانی می‌باشد. جزئیات وضعیت صادرات و واردات ایران به اعضای بریکس در جدول ۵ درج شده است.

جدول شماره (۵): سری زمانی وضعیت صادرات و واردات ایران به اعضای بریکس

تراز تجاری		میانگین ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰م		ضریب سری ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰م		کشور
۲۰۱۸ الی ۲۰۲۰	۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۱۴,۲	۹۹	۱۵,۱	۲۲,۷	۰,۴۲۲	۰,۴۶۷	ایران

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

همان‌گونه که در نمودار ۳ نیز مشخص است، صادرات ایران در طول سری زمانی از واردات بیشتر بوده و در هر دو نیز از سال ۲۰۱۸ روند نزولی شدیدی را تجربه کرده است. به‌همین دلیل نیز ضریب سری زمانی صادرات و واردات کاهش یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد مبادلات تجاری ایران با کشورهای بریکس دارای تغییرات چرخه‌ای است که دلیل اصلی آن نیز تحریم‌های ۲۰۱۸ می‌باشد. با این حال ضریب صادرات و واردات ایران در سری زمانی مثبت بوده است. حال می‌توان اثر تحریم بر تجارت ایران و بریکس را به شرح زیر تلخیص نمود:

جدول شماره (۶): مقایسه اثر تحریم بر تجارت ایران و اعضاء بریکس

نام دوره	واردات (میلیارد دلار)	صادرات (میلیارد دلار)
پیشاتحریم	۳۷,۱	۵۱,۹
تحریم	۸۵,۵	۱۶۸,۵
فشار حداکثری	۹۵,۷	۱۳۷,۵
برجام	۴۸,۲	۵۳,۶
تحریم مجدد	۵۰,۸	۶۵

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

بررسی اطلاعات تجارت ایران و اعضاء بریکس حاکی از آن است که به‌دلیل عضویت هم‌زمان سه کشور چین، روسیه و هند در هر دو سازمان، تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته است. تحریم‌های سال ۲۰۰۷ در آغاز تأثیر چندانی بر تجارت متقابل ایران و اعضاء بریکس نداشته و در دوره فشار حداکثری بخشی از صادرات ایران را کاهش داده است؛ اما پس از سال ۲۰۱۸ و اعمال تحریم یک‌جانبه آمریکا بخش مهمی از تجارت ایران کاهش یافته است. میزان واردات از بریکس اما با شانگهای متفاوت بوده که عمده آن نیز مربوط به تجارت ایران و برزیل است؛ هرچند روند واردات همچون شانگهای است و در دوره فشار حداکثری نیز میزان واردات ایران کاهش نیافته است. با توجه به اینکه دوره‌های موردبررسی سال‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرد، از آزمون تفاوت میانگین‌های دانکن برای بررسی تأثیر تحریم بر روابط ایران و اعضاء بریکس

استفاده شده است.

جدول شماره (۷): آزمون دانکن در تأثیر تحریم بر صادرات ایران به اعضاء بریکس

نام دوره	تعداد سال	گروه ۱	گروه ۲
پیشاتحریم	۷	۷,۴	
تحریم مجدد	۳	۲۱,۷	
برجام	۲		۲۶,۸
تحریم	۵		۳۳,۷
حداکثر فشار	۴		۳۴,۴
معناداری		۰,۱۶۳	۰,۳۴۲

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

آزمون دانکن مشخص می‌سازد که دوره‌های تحریم مجدد و پیشاتحریم هرچند دارای میانگین متفاوت هستند؛ اما تفاوت میان آن‌ها معنادار نیست و این دو دوره دارای پایین‌ترین میزان صادرات ایران به اعضاء بریکس هستند. به بیان دیگر، سطح صادرات ایران به اعضاء بریکس تحت تأثیر تحریم پس از ۲۰۱۸ کاهش یافته و به دوره اولیه نزدیک شده است. سه دوره دیگر نیز دارای میانگین‌های مشابه هم هستند و باتوجه به تعداد سال‌های متفاوت، تفاوتی در آن‌ها وجود ندارد.

جدول شماره (۸): آزمون دانکن در تأثیر تحریم بر واردات ایران از اعضاء بریکس

نام دوره	تعداد سال	گروه ۱	گروه ۲
پیشاتحریم	۷	۵,۳	
تحریم مجدد	۳		۱۶,۹
تحریم	۲		۱۷,۱
فشار حداکثری	۵		۲۳,۹
برجام	۴		۲۴,۱

نام دوره	تعداد سال	گروه ۱	گروه ۲
معناداری		۱	۰,۱۴۳

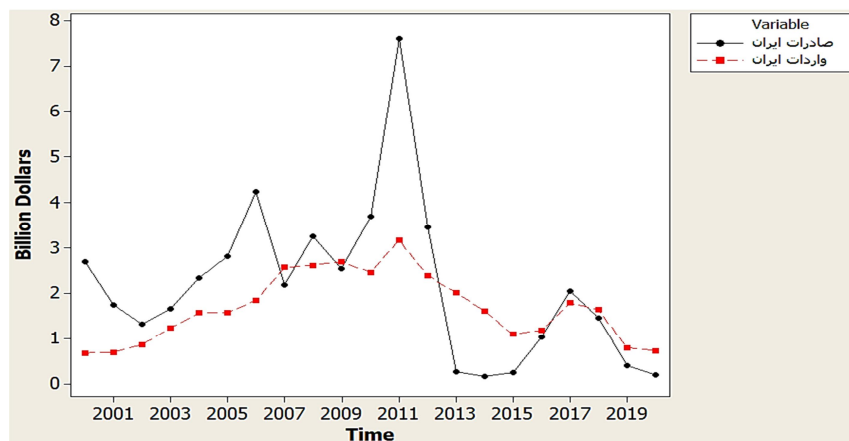
(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

در میزان واردات، صرفاً دوره پیشاتحریم دارای تفاوت در میانگین با سایر دوره‌ها است. این موضوع بدین معنی می‌باشد که روند واردات ایران از اعضاء بریکس کمتر تحت تأثیر تحریم بوده است.

۳-۴. سری زمانی تجارت ایران و اعضاء آسه‌آن و اثر تحریم بر آن

همان‌طور که در نمودار مشخص است، در بخش عمده سری زمانی، صادرات ایران به کشورهای عضو آسه‌آن نسبت به واردات فزونی داشته است.

نمودار شماره (۴): سری زمانی تجارت ایران و اعضاء آسه‌آن



(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

اعمال تحریم‌ها علیه ایران در سال ۲۰۰۷ موجب شده تا ارزش صادرات ایران تحت تأثیر قرار بگیرد؛ هرچند از سال ۲۰۱۰ مجدداً روند صعودی شدیدی را تجربه کرده، اما از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ م صادرات ایران کاهش شدیدی به اعضاء آسه‌آن داشته است. با انعقاد برجام و طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ م صادرات ایران روند صعودی

داشته که پس‌از آن دوباره تحت‌تأثیر تحریم‌های آمریکا، کاهش یافته است. به‌طورکلی صادرات ایران به آسه‌آن تغییرات چرخه‌ای چندباره‌ای را تجربه نموده است. درمقابل واردات ایران از آسه‌آن با روندی صعودی تا سال ۲۰۱۱م افزایش یافته و از این سال دچار روند نزولی شده است. سال‌های برجام همچون روند صادرات، افزایش موقتی در ارزش واردات ایران ایجادشده که این امر نیز پس از ۲۰۱۸م تحت‌تأثیر تحریم کاهش یافته است. در مجموع ۲۱ سال منتهی به ۲۰۲۰م ایران بالغ‌بر ۴۵ میلیارد صادرات به اعضای آسه‌آن داشته و در مقابل نیز ۳۵ میلیارد دلار واردات داشته که این به‌معنی تراز تجاری مثبت ۱۰ میلیارد دلاری در طول سری زمانی است. جزئیات وضعیت صادرات و واردات ایران به اعضای بریکس در جدول ۹ درج شده است.

جدول شماره (۹): سری زمانی صادرات و واردات ایران به اعضای آسه‌آن

تراز تجاری		میانگین ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰م		ضریب سری ۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰م		کشور
۲۰۱۸ الی ۲۰۲۰	۱۹۹۶ الی ۲۰۲۰			صادرات	واردات	
-۱,۱	۱۰	۱,۷	۲,۲	-۰,۰۰۹	۰,۱۳۱	ایران

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

مطابق با نمودار بالا که تغییرات صادرات و واردات ایران به آسه‌آن را نمایش داده، هرچند صادرات ایران دارای تمایز بسیار با واردات بوده؛ اما به همان میزان نیز فراز و فرودهای متعدد داشته است. به‌همین دلیل ضریب صادرات با کاهش مواجه شده است. درمقابل، واردات تا سال ۲۰۱۱ روند صعودی داشته و پس‌از آن روند نزولی را تجربه نموده است و به‌همین دلیل نیز ضریب آن منفی شده است. حال می‌توان اثر تحریم بر تجارت ایران و آسه‌آن را به شرح زیر نمایش داد:

جدول شماره (۱۰): اثر تحریم بر تجارت ایران و اعضای آسه‌آن

نام دوره	واردات (میلیارد دلار)	صادرات (میلیارد دلار)
پیشاتحریم	۸,۵	۱۶,۸
تحریم	۱۳,۵	۱۹,۳

نام دوره	واردات (میلیارد دلار)	صادرات (میلیارد دلار)
فشار حداکثری	۷,۱	۴,۲
برجام	۳	۳,۱
تحریم مجدد	۳,۱۷	۲,۱

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

بررسی اطلاعات تجارت ایران و اعضای آسه‌آن اثر تحریم را به‌وضوح نمایان می‌سازد. اگرچه دوره تحریم‌های اولیه موجب افزایش تجارت ایران و آسه‌آن نشده؛ اما دوره فشار حداکثری موجب کاهش شدید مبادلات تجاری شده و افزایش موقت در دوره برجام نیز با تحریم مجدد مواجه شده است. باتوجه‌به اینکه دوره‌های موردبررسی سال‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرد، از آزمون تفاوت میانگین‌های دانکن برای بررسی تأثیر تحریم بر روابط ایران و اعضای بریکس استفاده شده است.

جدول شماره (۱۱): آزمون دانکن در اثر تحریم بر صادرات ایران به اعضای آسه‌آن

نام دوره	تعداد سال	گروه ۱	گروه ۲
تحریم مجدد	۳	۰,۶۷	
فشار حداکثری	۴	۱	
برجام	۲		۱,۵
پیشاتحریم	۷		۲,۴
تحریم اولیه	۵		۳,۹
معناداری		۰,۳۳۶	۰,۲۵۱

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

یافته‌های ما با استفاده از انجام آزمون دانکن نشان می‌دهد که دوره‌های تحریم مجدد و حداکثر فشار هرچند دارای میانگین متفاوت هستند؛ اما تفاوت میان آن‌ها معنادار نیست و این دو دوره دارای پایین‌ترین میزان صادرات ایران به اعضای آسه‌آن هستند. به‌بیان‌دیگر سطح صادرات ایران به اعضای تحت‌تأثیر تحریم پس از ۲۰۱۸ و

اعمال فشار حداکثری کاهش یافته و حتی از دوره پیشاتحریم نیز کمتر شده است. سه دوره دیگر نیز دارای میانگین‌های مشابه هم هستند و باتوجه به تعداد سال‌های متفاوت، تفاوتی در آنها وجود ندارد.

جدول شماره (۱۲): آزمون دانکن در تأثیر تحریم بر واردات ایران از اعضاء آسه‌آن

نام دوره	تعداد سال	گروه ۱	گروه ۲
تحریم مجدد	۳	۱,۱	
پیشاتحریم	۷	۱,۲	
برجام	۴	۱,۴	
فشار حداکثری	۴		۱,۸
تحریم اولیه	۵		۲,۷
معناداری		۰,۳۷۸	۰,۱۹۸

(منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس اطلاعات تجارت یکپارچه جهانی)

در میزان واردات، دوران تحریم مجدد کمترین میزان را به خود اختصاص داده و از این جهت مشابه دوران پیشاتحریم است. دوره‌های تحریم اولیه و فشار حداکثری نیز هرچند تحت تأثیر تحریم قرار گرفته‌اند؛ اما تفاوت معناداری میان آنها وجود ندارد. بررسی روند اثرگذاری تحریم بر صادرات و واردات ایران با اعضاء سه سازمان مورد اشاره بیانگر ترازمندی ایستا است. ترازمندی ایستا نشان‌دهنده حالت پایداری سیستم قدرت است و سیستم بین‌الملل از گونه تک‌تارکی است، به این معنا که تنها یک وضعیت دارد که در آن می‌تواند به ترازمندی و تعادل برسد. آن وضعیت، ثبات مبتنی بر هژمونی دلار است که به دلیل موقعیت ایالات متحده در مرکزیت شبکه مالی و تجاری جهان است، امکان قطع ارتباط ایران با سیستم مالی و تجاری جهان به واسطه سازوکارهای تحریم را به آن می‌دهد. بر اساس اصل برون‌گرایی و شکست آبشاری، اثر تحریم بر روابط اعضای سازمان‌های مورد اشاره با ایران به ویژه در دوره فشار حداکثری، تسری می‌یابد. در مقابل رشد روند دلارزدایی در این نهادها امکان حرکت به سوی ترازمندی پویا را فراهم می‌آورد.

۵. سیاست دلارزدایی و گذار از نظم مالی دلارپایه به نظم مالی موازی

متطابق اصل چهارم از لگوی تحلیل (نک. نمودار شماره ۱) نظریه منطقه‌گرایی شبکه‌ای متداخل برآیند پیوندسازی نهادی و اتصال این سه نهاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از طریق سامانه مالی جایگزین سوئیفت و تبادلات مالی غیردلاری را توصیه می‌نماید که به معنای ایجاد یک نظم مالی نوین در برابر نظم مالی مورد نظر آمریکا است. اگرچه این نظم مالی نوین هنوز آن قدر همگرا و تقویت‌نشده که رقیب جدی برای نظم مالی دلار پایه باشد؛ اما روند تقویت این نظم جدید، مثبت بوده و توان آن را دارد که بتواند به یک نظم بدیل تبدیل شود؛ نظمی که به‌طور طبیعی در خنثی نمودن آثار تحریم مؤثر خواهد بود. در ادامه تأثیر عضویت ایران در سازمان‌های مورد نظر را از این منظر تحلیل خواهیم کرد.

۵-۱. سازمان شانگهای و نظم مالی غیردلاری

عضویت در شانگهای و استفاده از توافقنامه‌ها و امکانات اقتصادی موجود در این سازمان سبب شد تا فرایند تجارت آن‌ها متمایز گردد. به‌همین نسبت می‌توان این موضوع را در خصوص ایران نیز متصور شد. راه‌اندازی سامانه مبادلات مالی جدای از سوئیفت در کشورهای عضو شانگهای (توسط چین و روسیه) یکی از ویژگی‌های مهم شانگهای در ایجاد هم‌افزایی بین اعضا است. عضویت در شانگهای این امکان را برای ایران فراهم ساخته که در صورت استفاده از امکانات موجود، بخشی از مبادلات تجاری خود را به سامانه‌های جایگزین سوئیفت منتقل کند و با مبادله با ارزهای جایگزین این بخش از تجارت خود را دلارزدایی کند. بر اساس اطلاعات سال‌نهایی سری زمانی بررسی شده، بالغ بر ۲۹ درصد از واردات ایران از دو کشور چین و روسیه انجام گرفته است. هر دو کشورها از سال ۲۰۲۲م در حال استفاده مشترک از سامانه‌های SPFS (روسیه) و CIPS (چین) هستند، سامانه‌هایی که هر دو کشور با اتکا بدان توانسته‌اند سیاست دلارزدایی خود را طراحی و اجرا کنند. این دو کشور با وجود اعمال تحریم علیه ایران بالغ بر ۱۰ درصد از صادرات ایران را نیز به خود اختصاص داده‌اند که این بدین معنی است که استفاده از این سامانه‌های مبادلات تجاری موجب خواهد شد در مجموع ۲۲ میلیارد دلار از تجارت ایران با ارز یوآن و روبل که هر دو توسط بانک‌های

مرکزی این کشورها برابر با طلا گردیده است به انجام رسد. ضمن آنکه هر دو این ارزها به صورت دیجیتال نیز توسط بانک‌های مرکزی مورد تأیید قرار گرفته و به صورت رسمی از بهار ۲۰۲۲م در حال عرضه و استفاده در مبادلات هستند و بر اساس طلا نیز قیمت‌گذاری شده است (Sutter & Nelson, 2021, p. 2).

اهمیت این سامانه‌های مالی جایگزین تنها در برقراری پیوندهای دوجانبه از جمله با ایران نیست. بر اساس اصل گوناگونی و تنوع در سیستم‌های پیچیده، استحکام پیوندها بر پایه ترکیبی از شدت و فراوانی روابط متقابل میان گره‌ها و هاب‌های شبکه منطقه‌ای است. این پیوندها می‌توانند دوگانه یا چندگانه باشند. عضویت در سامانه‌های مالی SPFS (روسیه) و CIPS (چین) و هم‌افزایی میان کشورهای عضو این سامانه‌ها با شکل دادن به شبکه مالی میان منطقه‌ای و خوشه‌ای شدن این پیوندها در سطوح مختلف منطقه‌ای، پیوندهای دوگانه را به پیوندهای چندگانه تبدیل می‌کند و امکان مشارکت با بازیگران ناهمگون را فراهم می‌سازد. نمونه‌های ذیل بیانگر همین نکته است. باتوجه‌به اینکه هند نیز از ابتدای ۲۰۲۲م در حال انجام تراکنش با سامانه روسیه بر اساس روبل است، این امکان را برای ایران فراهم می‌سازد تا با استناد به عضویت در شانگهای و استفاده از سامانه SPFS در خصوص ۶,۵ درصد دیگر از واردات خود (باتوجه‌به تراز تجاری مثبت روسیه در تجارت با هند به میزان ۲,۵ میلیارد) از طریق پیوند و هم‌افزایی با این سامانه اقدام کند (Singh, 2023, p.344). همچنین هند مقصد دو درصد از صادرات ایران نیز می‌باشد. باتوجه‌به تراز تجاری منفی موجود در تجارت ایران با روسیه و نیاز هند به روبل جهت تجارت می‌توان از این امکان نیز جهت کاهش وابستگی به دلار و تنوع‌بخشی به ارزها استفاده نمود. ترکیه نیز به‌عنوان دیگر شریک تجاری که شش درصد از واردات و سه درصد از صادرات ایران را به خود اختصاص داده از انتهای سال ۲۰۲۲م روند مبادله با روسیه بر اساس روبل را آغاز کرده است (Sciortino, 2022, p.9). حضور این کشور در سامانه تبادلات مالی روسیه نیز شرایط مثبت سفارش و تبادل کالا و خدمات برای ایران با دیگر شریک تجاری خود یعنی ترکیه را فراهم کرده است.

در کنار روسیه، علاوه‌بر امکان عقد قراردادهای نفتی بر اساس یوان از سال ۲۰۱۸م،

چین رسماً از ۲۰۲۲م در حال ترغیب کشورهای صادرکننده نفت در شورای همکاری خلیج فارس به انجام مبادلات مالی با یوآن بوده و بخشی از قراردادهای خرید و سرمایه‌گذاری خود را بدین سمت سوق داده است. باتوجه به این موضوع که ۱۴,۵ درصد از واردات و ۷,۴ درصد از صادرات ایران حتی در دوره‌های اعمال تحریم با این کشورهاست، این موضوع نیز از توانایی بالقوه جهت دلارزدایی از تجارت ایران برخوردار است. به‌طور کلی در آغاز سال ۲۰۲۳م سامانه تبادلات مالی چین با ۱۰۳ کشور و سامانه روسیه با ۱۲ کشور به‌طور کامل متصل گردیده است که از مجموع این کشورها حدود ۵۰ کشور دارای تبادلات تجاری با ایران هستند و بالغ‌بر ۷۰ درصد از واردات و ۳۱ درصد از صادرات ایران را به خود اختصاص داده‌اند و این امکان برای ایران فراهم است که با گسترش تجارت خود از طریق سازمان همکاری شانگهای و استفاده از سامانه مبادلات مالی دو کشور حاضر در این سازمان فرایند دلارزدایی از تجارت خود را آغاز نماید.

۲-۵. بریکس و نظم مالی غیردلاری

عضویت در بریکس نیز برای ایران امتیازات ویژه را به همراه خواهد داشت و توافقنامه‌ها و امکانات اقتصادی موجود در این سازمان زمینه مساعدی را جهت بهبود دیپلماسی اقتصادی ایران فراهم خواهد کرد. بریکس علاوه‌بر استفاده از سامانه‌های جایگزین سولفیت توسط روسیه و چین، دارای سامانه پرداخت و صندوق تمهید ویژه است که ضمن حمایت از اعضا، فرایندهای پرداخت با ارز جایگزین را نیز تسهیل می‌کند. روسیه بر اساس امکانات موجود در بریکس و شانگهای بیش از ۲۰ درصد از تجارت خود را دلارزدایی نموده است. همچنین روسیه سهم طلا از ذخایر خود را به ۲۳ درصد افزایش داده و در مقابل سهم دلار را به ۲۲ کاهش داده است (Sciortino, 2022, p.8). برزیل و چین مبادلات فی‌مابین را تا حد بسیار بالایی در بریکس دلارزدایی کرده‌اند (Liu and Papa, 2022, p.25) و آفریقای جنوبی نیز استفاده از ارز جایگزین در مبادلات خود را تا ۶۵ درصد افزایش داده است (Liu and Papa, 2022, p.55). همچنین، روسیه و چین به‌عنوان شرکای مهم تجاری ایران از طریق سوآپ ارز

جایگزین توانسته‌اند تأثیر تحریم‌های ایالات متحده علیه خود را کاهش دهند (Sutter & Nelson, 2021, p.1).

۳-۵. آسه آن و نظم مالی غیردلاری

کشورهای عضو آسه‌آن از جمله ۱۰۳ کشوری هستند که در سال ۲۰۲۲ با سامانه مبادلات جهانی چین که جایگزین پیشنهادی برای سولفیت است فعالیت کرده‌اند (Singh, 2023, p.344; Sciortino, 2022, p.3; Sutter & Nelson, 2021, p.1; Desai & Hudson, 2021, p.34). تراز مثبت با آسه‌آن در سری زمانی این امکان بالقوه را برای ایران فراهم خواهد ساخت تا ضمن تجارت با سامانه‌ای به‌جز سوئیت، مازاد تجاری خود را نیز از طریق تجارت با چین مدیریت کرده و به واردات اختصاص دهد. تراز تجاری مثبت ایران با کشورهای آسه‌آن که دلیل عمده آن مربوط به صادرات نفت می‌باشد مورد توجه کشورهای آسه‌آن نیز قرار خواهد گرفت چراکه در مجموع پرداخت آن‌ها به ایران بیش از دریافت خواهد بود. روسیه دیگر کشوری است که سامانه فرامرزی خود را به‌عنوان جایگزینی برای شبکه ارتباطات مالی بین‌بانکی جهانی (سوئیت) ایجاد نموده و از آنجاکه با اختلاف بسیار زیاد از ایران تأمین‌کننده نفت برای آسه‌آن است، تمایل به مبادله با این سامانه نیز افزایش یافته است (Singh, 2023, p.344). سامانه مبادلات فرامرزی روسیه نیز با توجه به این موضوع که روسیه مبدأ بخشی از واردات ایران محسوب می‌گردد و عموماً تراز تجاری به سود روسیه است، زمینه مناسبی برای مبادله با آسه‌آن و مشارکت در این سامانه را فراهم خواهد ساخت و مازاد تجارت ایران با آسه‌آن قابل انتقال به این سامانه خواهد بود. هند دیگر کشوری است که از سوی کشورهای آسه‌آن ضمن دعوت به تشکیل اتحادیه اقتصادی، مقدمات مبادله با ارز جایگزین دلار نیز با محوریت مالزی به انجام رسیده است. با توجه به این موضوع که هند نیز جزء واردکنندگان نفت از ایران است و تحت تأثیر تحریم به‌ویژه پس از ۲۰۱۸م کاهش مبادلات شدید با ایران داشته است، به‌طوری‌که از میانگین ۱۲,۵ میلیارد دلار واردات از ایران در دوران برجام به کمتر از ۳۰۰ میلیون دلار در ۲۰۲۰م رسیده و به‌همین دلیل موجب تراز منفی شدید برای ایران گردیده است. آغاز مبادلات آسه‌آن- هند با ارز

جایگزین نیز در بدو امر به کاهش تراز تجاری منفی ایران با هند و سپس بهبود وضعیت صادرات ایران کمک خواهد کرد.

۶. ارزیابی آثار؛ رویکردی ایرانی

تحت تأثیر آثار نهادی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای شانگهای، آسه‌آن و بریکس و اتصال به سامانه‌های مالی جایگزین سوئیت، شاهد خوشه‌ای شدن شبکه کلان میان منطقه‌ای هستیم که در انطباق با این واقعیت نوپدید، امکان گذار از سیاست‌خارجی خطی به رویه‌های نهادی جدید فراهم شده است. از سوی دیگر، دو سامانه مالی جایگزین دلار با ایجاد مرکزیت بینابینی میان کشورهای عضو این نهادها ظرفیت شکل‌دهی به شبکه مالی موازی با دلار را دارند که با پیوندسازی، ایجاد رویه‌های نهادی و وابستگی حساس می‌تواند در هم‌افزایی مالی میان کشورها در برابر فشارهای بیرونی از جمله فشارهای برآمده از تحریم کمک کند. این پیوندسازی، رویه‌های نهادی و توانمندسازی در برابر دلار، برآیند منطقه‌گرایی متداخل بازیگران عضو این نهادها است که این دولت‌ها را وامی‌دارد به جای جهت‌دهی به روابط سیاسی دوجانبه در تحقق نتایج سیاسی، به دنبال راه‌های جدید و نوآورانه برای جهت‌دهی به آن‌ها باشند. همچنین به جای تلاش برای پیشینه‌سازی منافع ملی، به تحقق آن از طریق تعمیق بیشتر با سیستم‌های انطباقی بیندیشد. همکاری کشورهای عضو این سازمان‌ها و نهادهای مورد بحث با دو سامانه مالی جایگزین دلار به حوزه منافع مشترک میان آن‌ها شکل می‌دهد و به تدریج با قابلیت هنجارسازی و درونی‌سازی هنجارها و رویه‌های نهادی برآمده از این حوزه مشترک از قابلیت بازتولید و تقویت حوزه منافع مشترک، تبدیل حوزه منافع موازی به منافع مشترک و توانمندسازی در برابر فشارهای بیرونی رقیب برخوردار است.

با این حال، آنچه از تحلیل داده‌های آماری به دست آمده است می‌توان دریافت باوجود اجرایی شدن سیاست دلارزدایی در این نهاد، به دلیل وابستگی بانک مرکزی ایران و کشورهای مورد بحث به دلار هنوز وابستگی حساس از این پیوندهای چندگانه بصورت کامل شکل نگرفته است. منظور از وابستگی حساس این است که به واسطه اثر پروانه‌ای، هرگونه تغییر در تارک هر شبکه، سبب تغییر کلی رفتار سیستم منطقه یا با

بین‌المللی کردن مقادیر منطقه‌ای، سبب تغییر کلی رفتار سیستم جهانی شود. سه نهاد مورد اشاره در وضعیت وابستگی حساس، ویژگی همپوش دارند؛ که در حال حاضر به دلیل اینکه دلار نقش کلیدی را به عنوان پیونددهنده دارد، به یکدیگر مرتبط می‌شوند. در نتیجه، شبکه منطقه‌ای همواره در آستانه رفتاری قرار دارد که به واسطه جریان ارتباطات سیستمی، هرگونه تغییر در یکی از خوشه‌ها، پیامدهای غیرخطی برای سایر سطوح و بخش‌ها خواهد داشت. اتصال و هم‌پیوندی نهادهای آسه‌آن، شانگهای و بریکس از طریق سامانه‌های مالی جایگزین (دو هاب مالی مرکزی) به ابر شبکه‌ای شکل می‌دهد که اغلب می‌تواند مانند یک میانجی برای جهش‌هایی فزاینده در نتایج، مانند اثرهای رده دوم و سوم عمل کند؛ اما به دلیل عدم شکل‌گیری وابستگی حساس با وجود این دو سامانه، هم‌افزایی مالی اگرچه به عنوان مکمل راهبردی برای دولت‌های عضو عمل کرده ولی هنوز به همگرایی مالی منتج نشده است، به طوری که به عنوان مثال با تحریم ایران سطح مبادلات کشورهای عضو این سازمان‌ها با ایران تحت تأثیر تحریم قرار نگیرد (در حالی که عکس آن اتفاق افتاد). اگرچه در کاهش اثرات تحریم و ایجاد اختلال در نظام تحریم‌های غربی مؤثر بوده است، ولی شکل نگرفتن وابستگی حساس باعث می‌شود دیگران در منافع همکاری با ایران از طریق ارزهای غیردلاری بهره‌مند شوند ولی خسارت‌های احتمالی شریک نشوند.

نتیجه‌گیری

ترکیب سه نهاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آسه‌آن، شانگهای و بریکس از طریق سامانه‌های مالی ارزی غیردلاری و غیر سوئیفت همانند SPFS (روسیه) و CIPS (چین) به شبکه منطقه‌ای چندلایه شکل داده است. پیوندهای چندگانه ناشی از عضویت در این نهادها و دو سامانه مالی فوق به معنای توجه و تعهد سیاست خارجی و منطقه‌ای کشورهای عضو به سیاست خارجی چندهمسایگی و حرکت به سوی هم‌افزایی مالی در عصر رقابت‌های ژئواستراتژیک نوین است. هم‌افزایی مالی ناشی از عضویت در سامانه‌های مالی غیردلاری و افزایش سهم مبادلات تجاری و ارزی غیر از دلار در تجارت جهانی کمک می‌کند دیپلماسی راهبردی جایگزین دیپلماسی سنتی شود. در دیپلماسی راهبردی

روابط شبکه‌محور و چندگانه جایگزین روابط دودویی در تبادلات مالی و تجاری می‌شود. منطقه‌گرایی متداخل برآمده از ترکیب سه نهاد فوق با مرکزیت بینابینی سامانه‌های مالی ارزی غیردلاری SPFS و CIPS به تقویت همکاری‌های جنوب-جنوب و نیز همکاری‌های میان منطقه‌ای و بین‌المللی کمک مؤثری می‌کند. عضویت یا همکاری ایران با کشورهای عضو سه نهاد مورد بحث در این پژوهش کمک مؤثری به بهبود دیپلماسی اقتصادی ایران جهت دلارزدایی خواهد داشت. همان‌گونه که در متن توضیح داده شد، بهره‌مندی از امکانات عضویت یا همکاری با این سه نهاد و اتصال به سامانه مالی جایگزین سوئیفت روسیه و چین نقش مؤثری در کاهش اثرات تحریم‌ها و اختلال در نظام تحریم‌های ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده داشته است. این مسئله به دلیل کارکرد اصل تنوع و گوناگونی (شکل‌گیری سامانه‌های مالی جایگزین سوئیفت) و چگالی جریان ارتباطات از سوی کشورهای عضو این سه نهاد به‌سوی دو مرکزیت مالی تازه شکل گرفته بوده است که به ایران فضای کنشگری بیشتری برای تبادلات بین‌المللی فراهم کرده است. با این حال، به دلیل وابستگی نظام‌های مالی و بانک مرکزی کشورهای عضو از جمله ایران به دلار چنین هم‌افزایی مالی هنوز به وابستگی حساس منجر نشده است. به همین دلیل با وجود اجرایی شدن سیاست دلارزدایی یا استفاده از سبدهای ارزی غیردلاری در این سه نهاد مورد بحث، تبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو در نتیجه تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده (به‌خصوص در دوره فشار حداکثری) کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است. بر این اساس، اگر کشورهای عضو این سه نهاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نوعی وابستگی حساس به دو سامانه مالی غیردلاری شکل دهند می‌توانند هم در برابر فشارهای بیرونی انعطاف‌پذیری بیشتری نشان دهند و هم بین مفاهیم درهم‌تنیده قدرت، دولت‌مداری دیپلماتیک و ساختار نوعی انطباق ساختاری ایجاد کنند.

یادداشت‌ها

1. <https://oec.world>

کتابنامه

- اسلامی، محسن؛ نقدی، فرزانه (۱۳۹۵). «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، نشریه روابط خارجی. ۸(۴)، ۳۷-۷۱.
- آل کجباف، حسین؛ کریمی مهابادی، حسن؛ بابایی، مجتبی (۱۴۰۱). «تدبیر ایران و جامعه بین المللی علیه تحریم»، نشریه سیاست‌های راهبردی و کلان. ۱۰(۴۰)، ۸۴۹-۸۷۶.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸). «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، ۵(۲)، ۵-۴۰.
- پورقصاب امیری، علی؛ علی نژاد دارسرا، محمدمهدی (۱۳۹۹). «تحریم‌های یکجانبه آمریکا و نقض آشکار حقوق بشر»، نشریه علوم انسانی اسلامی. ۶(۲۳)، ۲۷-۳۷.
- جعفری، علی‌اکبر؛ بلباسی، میثم و اسفندیار، شهرام (۱۳۹۶). «منافع ملی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای»، دانش سیاسی، ۱۳(۲)، ۱۶۳-۲۰۰.
- ساجدی، امیر؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و بازگیر، محمدبشیر (۱۴۰۰). «تشدید تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در زمان شیوع کووید-۱۹»، دانش سیاسی، ۱۷(۱)، ۷۸-۱۰۸.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۹). «سیاست‌خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، ۶(۲)، ۱۰۷-۱۳۸.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۹). «آثار تحریم‌های اقتصادسیاسی ایالات متحده بر ورزش جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، ۱۶(۱)، ۲۱۹-۲۴۶.
- صفوی، سید یحیی؛ جعفری نور، محمد مهدی (۱۴۰۰). «عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای ژئوپلیتیکی، نظامی، سیاسی و اقتصادی آن بر موازنه قوا با ایالات متحده آمریکا»، نشریه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. ۳(۱۰)، ۵۵-۸۱.

Acharya, A; Buzan, B (2019). The making of global international relations. *Cambridge University Press*.

Buldú, J. M; Pablo-Martí, F; Aguirre, J (2019). Taming out-of-equilibrium dynamics on interconnected networks. *Nature communications*, 10(1), 1-9.

Corbetta, R (2013). International relations are about relations! The power of

- networks in the study of international politics. *International Studies Review*, 15, 637-640. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/24033000>.
- D'Agostino, G; Scala, A. (Eds.) (2014). *Networks of networks: the last frontier of complexity* (Vol. 340). Berlin: Springer
- Davis, Stuart. (2023). *Sanctions as war: anti-imperialist perspectives on American geo-economic*, Published by Hayamarket Books.
- Degterev, D.A; Ramich, M.S; Tsvyk, A.V (2021). US-China: "Power Transition" and the Outlines of "Conflict Bipolarity". *Vestnik RUDN. International Relations*, 21(2), 210-231.
- Desai, Radhika and Hudson, Michael. (2021). Beyond the Dollar Creditocracy: A Geopolitical Economy, *Valdai Papers*, NO: 2021- 116.
- Ghasemi, F. (2019). *Complexity-Chaos Theory and War in International Relations*, University of Tehran Press.
- Gribina, Nico and Trushkin, Sergey. (2020). De dollarization as an Indicator of the Formation of National-Oriented Public Policy, *Advances in Economics, Business and Management Research*, 32 (128), 1085-1089.
- Liu, Zongyuan Zoe and Papa, Mihaela. (2022). *Can BRICS De-dollarize the Global Financial System?*, University Printing House, Cambridge.
- Mahrough, F. (2022). Multiplex Network Regionalism; a Theoretical Model for Iran's Multi-Neighborhood Foreign Policy. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 19, No 2, summer 2023, PP 281-315. DOR: 20.1001.1.17354331.1402.19.70.12.5
- Molodyko, Kirill. (2020). From Reserve Currencies to Reserves of Critical Goods: Designing a New BRICS International Currency, *BRICS Law Journal*, 7 (4), 67-84.
- Singh, Ridipt. (2023). Russia, India, and China Alliance – Towards balancing the world order, *Electronic Journal of Social and Strategic Studies*, 3 (3), 328-350.
- Slaughter, A.M (2017). *The Chessboard and the web*. Yale University Press.
- Sutter, Karen and Nelson, Rebecca. (2021). De-Dollarization Efforts in China <https://www.bnnbloomberg.ca/de-dollarization-is-happening-at-a-stunning-pace-jen-says-1.1909109>
<https://wits.worldbank.org>